

لینک نتیجه مشابهت‌یابی: https://hamyab.sinaweb.net/Ci_result/details/3ADA04B4D807341F/0%

تجلی هویت ملی در اشعار فارسی کتیبه‌های دوره صفوی در شهر اصفهان (۱۰ تا ۱۲ ه.ق)

نوع مقاله: پژوهشی

معصومه پژوهش‌نیا*

علی‌اکبر جعفری**

E-mail: m.pajhooheshnia@yahoo.com

E-mail: a.jafari@ltr.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۳

چکیده

هویت ملی، خودآگاهی مشترک یک ملت است که در عرصه‌های مختلفی چون داستان، شعر، موسیقی، نقاشی، خطاطی و معماری نمود پیدا می‌کند. کتیبه‌های شعر فارسی در بناهای تاریخی، که هم‌زمان از چهارعنصر زبان، خط، شعر و معماری بهره می‌برند، جلوه‌ای از هویت ملی را به نمایش می‌گذارند. این پژوهش کوشیده است تا تجلی هویت ملی را در اشعار فارسی کتیبه‌های تاریخی دوره‌ی صفوی در شهر اصفهان مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور، تعداد ۹۷ کتیبه شعر فارسی در بناهای تاریخی شهر اصفهان از دوره‌ی صفوی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از بررسی ۴۵۷ بیت شعر در کتیبه‌های ذکر شده نشان می‌دهد پرتکرارترین مضامین در کتیبه‌های مورد مطالعه عبارت‌اند از: ۱- مضامین دینی ۲- مدح شاه ۳- ذکر نام و یاد بانی بنا، که به ترتیب به مذهب تشیع، نهاد شاهی و نهاد وقف اشاره دارند و هر یک به نوعی از فراسنجه‌های هویت ملی در دوره‌ی صفوی محسوب می‌شوند.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، کتیبه تاریخی، شعر فارسی، صفوی، اصفهان.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، نویسنده‌ی مسؤول

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان

مقدمه و طرح مسأله

هویت در احساس تعلق انسان به شاخصه‌های معینی معنا پیدا می‌کند. هویت را می‌توان مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی دانست که موجب شناسایی فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (محرمی، ۱۳۸۳: ۶۶) و ضرورت پرداختن به هویت را می‌توان آن دانست که داشتن تعریفی از خود، اولین قدم در «انسان بودن» است (رجایی، ۱۳۹۶: ۵۴). به‌گونه‌ای که با نادیده گرفتن مقوله‌ی هویت در جامعه، اعتمادبه‌نفس و هدفمند بودن افراد جامعه از میان می‌رود. همین دو عنصر اعتمادبه‌نفس و هدفمندی در جامعه، توسط ابن خلدون، «عصبیت» نام گرفته است و آن را لازمه تشکیل دولت‌ها می‌داند (ابن‌خلدون و سروش، ۱۳۶۲: ۲۴۹-۲۳۹).

هویت ملی نیز احساسی مشترک یا نوعی وجدان دسته‌جمعی، در میان عده‌ای از انسان‌ها، تعریف می‌شود که واحدی سیاسی یا ملت را می‌سازند (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۲). در حقیقت هویت ملی، هویت‌های قومی، زبانی، دینی، محلی و فرهنگی را باهم ادغام کرده و تبدیل به هویت ملی می‌نماید (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۵). هویت مشترک ملت‌ها در طی حوادث تاریخی که بر آنان گذشته، شکل می‌گیرد و بنابراین پرداختن به مبحث هویت ملی دارای اهمیتی تاریخی است. هویت ملی براساس فراسنجه‌هایی همچون نژاد، زبان، فرهنگ، هنر، دین و تاریخ، نقطه‌ی اشتراک ملت‌ها محسوب می‌شود، چنان‌که با پدیده‌ای به نام «هویت ملی ایرانی» روبرو هستیم.

هویت ملی ایرانی را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و احساساتی دانست که مردمان دارای آن را ایرانی معرفی می‌کند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۹۸). سنجه‌های هویت ملی ایرانی، از نظر پژوهشگران، متفاوت و متعدد بیان شده است. زبان فارسی و نهاد شاهی در نظر ذبیح‌الله صفا (رجایی، ۱۳۹۶: ۶۴)، ایرانی بودن و دین اسلام در نگاه مرتضی مطهری (مطهری، ۱۳۶۲: ۸۸)، زبان فارسی و تاریخ ایران براساس نظر شاهرخ مسکوب (مسکوب، ۱۳۸۵: ۱۷) و فرهنگ ایران، اسلام و غرب از نگاه سروش (سروش، ۱۳۷۷: ۱۸۵-۱۵۳). نمونه‌هایی از این سنجه‌هاست. رجایی با تأکید بر این‌که ایران، اسلام و تجدد، فصول مشترک همه‌ی تعریف‌هاست، سنت را نیز به‌منزله‌ی سنجه‌ی دیگری بر این امر می‌افزاید (رجایی، ۱۳۹۶: ۸۲).

بنابراین، می‌توان گفت شاخص‌های هویت ملی به فراخور دوره‌های تاریخی، در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری تجلی می‌یابند و با مطالعه‌ی این عرصه‌ها، در هر دوره تاریخی، می‌توان به چگونگی فراسنجه‌های هویت ملی در آن

دوره پی برد. بر این اساس، در این پژوهش، کتیبه‌های شعر فارسی، از دوره‌ی صفوی در شهر اصفهان، گردآوری و محتوای اشعار کتیبه‌های مذکور مورد مطالعه قرار گرفت تا نمود شاخص‌های هویت ملی در دوره‌ی صفوی در این اشعار بررسی گردد.

سؤال تحقیق

– هویت ملی ایرانی در دوره‌ی صفوی چگونه در اشعار فارسی کتیبه‌های تاریخی این دوره در شهر اصفهان تجلی یافته است؟

پیشینه پژوهش

کامل‌ترین پژوهش، بر روی کتیبه‌های تاریخی شهر اصفهان را لطف‌الله هنرفر صورت داده است. او در کتاب گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۱۳۵۰)، عمده کتیبه‌های موجود در بناهای اصفهان را به ترتیب دوره‌های تاریخی در اختیار قرار می‌دهد. وی همچنین در فهرست کتیبه‌های تاریخی در آثار باستانی اصفهان (۱۳۴۸)، به ارائه لیست کتیبه‌های موجود در بناهای اصفهان، براساس خط و زبان کتیبه‌ها، و می‌پردازد. به‌رغم جامع بودن دو اثر ذکر شده، هیچ یک تحلیلی از مضامین و محتوای کتیبه‌ها ارائه نمی‌کنند و صرفاً کتیبه‌خوانی شده است.

در زمینه‌ی ارتباط محتوای کتیبه‌های تاریخی با مقوله هویت ملی، محمد افروغ و علیرضا نوروزی طلب (۱۳۸۹) به بررسی مضامین کتیبه‌های موجود در آثار فلزکاری عصر صفوی و ارتباط آن با هویت اسلامی – ایرانی پرداخته‌اند. در این پژوهش، کتیبه‌ها براساس محتوای به دو گروه مذهبی و ملی طبقه‌بندی شده‌اند. در کتیبه‌های مذهبی، عباراتی چون صلوات ۱۴ معصوم، ذکر ناد علی، شهادتین شیعه، ارادت به ائمه، به‌خصوص حضرت علی (ع)، دیده می‌شود که به گفته‌ی نویسندگان مقاله، نشانگر هویت شیعی ایران در دوره صفوی است. در کتیبه‌های ملی نیز، ادبیات عرفانی ایرانی از شعرایی چون حافظ و سعدی به چشم می‌خورد.

احمد حسنی رنجبر و زهرا حبیبی (۱۳۹۴) کتیبه‌های شعر را در ۲۵ بنای آرامگاهی شهر اصفهان مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس ادعای محققان در این پژوهش، کتیبه‌های منظوم نیز همانند کتیبه‌های مثنوی، می‌توانند حاوی اطلاعات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی دست اول باشند. نتایج ارائه شده در این پژوهش، تنها شامل دسته‌بندی کتیبه‌ها براساس دارا بودن نام شاعر، ماده تاریخ یا نام شاه و

شمارش تعداد کتیبه در هر دسته است و از اطلاعات تاریخی و فرهنگی در کتیبه‌ها حرفی به میان نمی‌آید.

احمد صالحی کاخکی و همکاران (۱۳۹۵) نیز کتیبه‌های نستعلیق دوره‌ی صفوی در نقاط مختلف کشور را از نظر مضمون بررسی نموده و برحسب دارا بودن نام صاحب کتیبه، ماده‌تاریخ، وصف بنا، مدح شاه یا امام‌زاده طبقه‌بندی کرده‌اند. در این طبقه‌بندی، تنها به اطلاعات ظاهری درج شده در کتیبه‌ها اکتفا شده و به مفاهیم عمیق‌تر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی که می‌توان از کتیبه‌ها به دست آورد، پرداخته نشده است. هم‌چنین این پژوهش نیز مشخصاً کتیبه‌های شعری را مورد نظر نداشته است.

مریم قاسمی سیچانی، فاطمه قنبری و محبوبه قنبری (۱۳۹۶) مضامین کتیبه‌های قرآنی مسجد جامع اصفهان را در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس نتایج ارائه شده در این پژوهش، شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم در دوره‌های مختلف، بر انتخاب آیات به‌کار رفته در کتیبه‌ها تأثیرگذار بوده است. در این پژوهش، تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی در محتوای کتیبه‌ها به دقت مورد تحلیل قرار گرفته است، اما به کتیبه‌های شعری نپرداخته‌اند.

بر این اساس، تاکنون پژوهشی که محور اصلی آن کتیبه‌های شعری در شهر اصفهان باشد و ارتباط محتوای این اشعار را با هویت ملی ایرانی مورد بررسی قرار دهد، صورت نگرفته است.

روش تحقیق و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش، ابتدا با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع مکتوب به‌ویژه کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان از لطف‌الله هنرفر و نیز انجام بازدیدهای میدانی، تعداد ۹۷ کتیبه شعر فارسی از دوره صفوی در بناهای شهر اصفهان شناسایی شد. کتیبه‌های شناسایی شده، شامل یک تا سی بیت شعر بوده و در مجموع ۴۵۷ بیت را تشکیل می‌دادند. در مرحله‌ی بعد، اشعار مربوط به کتیبه‌های مورد نظر جمع‌آوری شده و محتوای آنها مورد بررسی قرار گرفت. سپس به دلیل تکرار مفاهیم خاص در ابیات مورد مطالعه و به جهت انسجام بخشیدن به نتایج حاصله، مضامین این اشعار در قالب نه دسته مرتب گردیدند. در گام آخر، محتوای تعریف شده در هر دسته، مورد واکاوی قرار گرفت و ارتباط آن با هویت ملی ایرانی در دوره صفوی بررسی شد.

مبانی و چارچوب نظری

اگر نگوییم تأسیس دولت صفویه در ایران، سرآغاز تشکیل دولت ملی است، اما با عنایت به فراسنجه‌هایی که از زمان تشکیل این حکومت و در دوران حاکمیت آنها در ایران شکل گرفت، می‌توان گفت تأسیس دولت صفوی مبنایی برای تشکیل و تحکیم دولت ملی در ایران بوده است؛ فراسنجه‌هایی که هویت قومی ایرانیان را به تدریج به هویت ملی تبدیل نمود. موضوع هویت ملی از مباحث چالشی بین صاحب‌نظران و پژوهش‌گران مطالعات هویتی محسوب می‌گردد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۸۴ و ۱۲۳-۱۱۹)؛ اما اتفاق نظر بر این است که در دوره صفوی با تغییرات محسوس هویتی روبه‌رو هستیم. به بیان دیگر، عصر صفوی، عصر پیدایش هویت جدیدی برای ایرانیان محسوب می‌شود؛ زیرا با رسمیت یافتن مذهب تشیع و تداوم آن تاکنون، تشیع یکی از فراسنجه‌های هویت ملی ایرانی محسوب می‌شود. در این مورد گفته شده: «رواج شیعه در ایران، بارزترین سهم صفوی در تاریخ جدید ایران است چراکه ایران به واسطه‌ی مذهب تشیع، بیش از هر شاخصه‌ی دیگر، از همسایگانش متمایز می‌گردد» (رویمر، ۱۳۸۵: ۴۵۱).

شاخص هویتی جدید ایران، در دوره صفوی، در کلیه عرصه‌های فرهنگی، هنری، ادبی، اجتماعی، سیاسی و معماری بروز کرد و محور اصلی خلق اثر و خلاقیت در عرصه‌های مذکور گردید. از جمله این عرصه‌ها، معماری و ساخت بناهای مذهبی و غیرمذهبی بود که به‌طور بارزی نشانه‌های هویت جدید ایرانی را به نمایش می‌گذاشت. معماری دوره صفوی و تزئینات بناها به‌ویژه کتیبه‌ها، از عرصه‌های بروز هویت جدید ایرانی در این دوره‌ی تاریخی محسوب می‌شوند. کتیبه، نوشته و یا تصویری است که بر روی سنگ، کاشی، فلز، چوب و غیره حک می‌شود. کتیبه‌ها عموماً بر سردر ورودی، دیوار، زیر هلال گنبد، محراب مساجد و دیگر قسمت‌های بناها و یا حتی بر روی سنگاب، اشیای فلزی، اشیای سفالی و غیره قرار می‌گیرند. کتیبه‌نگاری، از ویژگی‌های مهم معماری اسلامی محسوب می‌شود که علاوه بر جنبه تزئینی، اطلاعات مهم تاریخی را نیز منتقل می‌کند. در حقیقت، کتیبه‌های تاریخی حاوی اطلاعات قابل توجهی از تفکر، باورها و ارزش‌هایی است که برای نسل‌های بعد به یادگار گذاشته شده‌اند. در مطالعات پژوهشی، اطلاعات موجود در کتیبه‌ها، از نوع منابع اولیه محسوب می‌شوند که معمولاً نسبت به دیگر منابع، عاری از غلط و اشتباه‌اند (فدایی، ۱۳۹۸: ۲۶).

کتیبه‌های دوره‌ی صفوی، شامل آیات قرآن، احادیث و اشعار به زبان فارسی و عربی هستند که هرکدام به یکی از وجوه هویت ایرانی در این دوره اشاره دارند. در این میان،

شعر به دلیل جایگاه خاصی که در عرصه‌های ادبی، فرهنگی و تاریخی این مرزوبوم دارد، در کتیبه‌نگاری‌های این دوره، جایگاه ویژه‌ای دارند. اشعار موجود در کتیبه‌های تاریخی، با دقت و وسواس انتخاب می‌شدند، به گونه‌ای که مضمون آنها بیانگر اندیشه، عقیده، فرهنگ و هنر نسل خود و منتقل‌کننده‌ی پیامی خاص به نسل‌های بعد باشد. از این رو مطالعه محتوای اشعار در کتیبه‌های تاریخی، می‌تواند در بازشناسی فراسنجه‌های هویتی ایران عصر صفوی راهگشا باشد.

یافته‌های تحقیق

کتیبه‌های شعر فارسی که از دوره‌ی صفوی در بناهای شهر اصفهان موجود است، به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول، کتیبه‌هایی که به بناهای احداث شده از دوره‌های قبل از صفوی اضافه شده‌اند و گروه دوم، کتیبه‌هایی که در بناهای احداثی دوره صفوی وجود دارند. در این مطالعات، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز انجام بازدیدهای میدانی، لیست کاملی از کتیبه‌های هر دو گروه تهیه شد. براساس بررسی‌های به‌عمل آمده، شهر اصفهان دارای ۲۲ کتیبه‌ی شعر فارسی است که در دوره صفوی به بناهای دوره‌های قبل اضافه شده‌اند؛ به‌علاوه، دارای ۷۵ کتیبه‌ی شعر فارسی است که در دوره‌ی صفوی به بناهای شهر اصفهان اضافه شده‌اند. مشخصات کتیبه‌های مذکور به ترتیب در جدول شماره ۱ و جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: کتیبه‌های شعر فارسی در شهر اصفهان
که در دوره صفوی به بناهای دوره‌های قبل اضافه شده‌اند

تعداد کتیبه در بنا	نام بنا / دوره تاریخی ساخت بنا	محل کتیبه در بنا	دوره تاریخی کتیبه	کتیبه (هجری) سال ساخت	خط کتیبه
۱۶	مسجد جامع عتیق / قرن سوم هجری تا دوره قاجار	صفه صاحب	شاه اسماعیل	۹۱۱	ثلث
		صفه صاحب	شاه طهماسب	۹۳۸	نستعلیق
		شبستان جنوب شرقی	-	-	نستعلیق
		شبستان جنوب شرقی	-	-	نستعلیق
		شبستان شاه عباسی	-	-	ثلث
		شبستان شاه عباسی	-	-	ثلث

بنایی	-	-	صفه استاد		
نستعلیق	۱۱۱۲	شاه سلطان حسین	اطراف شاه‌نشین ایوان استاد		
نستعلیق	-	-	طرفین پنجره مشبک صفه استاد		
نستعلیق	-	-	ایوان درویش		
نستعلیق	۱۰۸۷	شاه سلیمان	سنگاب سقاخانه عزیزالله		
-	۹۳۵	شاه طهماسب	دالان ورودی مسجد		
نستعلیق	-	-	سنگاب ایوان درویش		
نستعلیق	۱۰۸۷	شاه سلیمان	اتصال دهلیز سردر مجلسی به صحن		
نستعلیق	۹۸۵	محمد خدابنده	حوض وسط صحن مسجد		
نستعلیق	۹۸۴	شاه طهماسب	سقاخانه		
نستعلیق	-	-	سنگ مزار محمد مومن	مقبره نظام‌الملک در تکیه	۲
-	۱۰۵۶	شاه عباس دوم	سنگ مزار خواجه صفی‌الدین محمد	پامنار / دوره سلجوقی	
نستعلیق	-	-	سردر مدرسه	مدرسه سلطان محمد سلجوقی / دوره سلجوقی	۱
-	۱۰۵۶	شاه عباس دوم	سنگاب	تالار تیموری / دوره تیموری	۱
بنایی	-	-	دیوار غربی رواق شرقی	امامزاده درب امام / دوره قراقویونلو	۲
بنایی	-	-	دیوار شرقی رواق شرقی		

جدول شماره ۲: کتیبه‌های شعر فارسی در شهر اصفهان که در عصر صفوی در بناهای همین دوره نصب شده‌اند

تعداد کتیبه در بنا	نام بنا	محل کتیبه در بنا	دوره تاریخی کتیبه	سال ساخت کتیبه (هجری)	خط کتیبه
۱	امامزاده شوری	نمای خارجی امامزاده	شاه اسماعیل اول	۹۱۹	نستعلیق
۶	هارون ولایت	بالای در ورودی	شاه اسماعیل اول	۹۱۸	نستعلیق
		طرفین سردر	شاه اسماعیل اول	۹۱۸	ثلث
		طرفین سردر	شاه طهماسب	۹۴۶	نستعلیق
		زیر هلال در	شاه اسماعیل اول	۹۱۸	نستعلیق
		بالای سکوی راست سردر	شاه طهماسب	۹۴۶	ثلث

۱۰۶۶	شاه عباس دوم	بقعه هارون ولایت	۳	مسجد قطیبه	۱
–	شاه طهماسب	اطراف مدخل سردر	۳	مسجد قطیبه	۱
–	–	دو جانب سردر			
۹۵۵	شاه طهماسب	آرامگاه قطب‌الدین باب‌الدشتی			
–	شاه طهماسب	سردر مسجد	۱	مسجد ذوالفقار	۱
۹۵۵	شاه طهماسب	سردر مسجد	۱	مسجد جویاره	۱
۱۰۸۳	شاه سلیمان	ایوان سمت راست مقبره، لوح سنگی	۲	بقعه شاه زید	۲
۱۰۸۳	شاه سلیمان	ایوان سمت راست مقبره، لوح سنگی			
–	–	سنگ مرمر روی دیوار شرقی	۳	آرامگاه میرعماد در مسجد مقصودییک	۳
–	–	ذیل لوح سنگی			
–	–	بالای لوح سنگی			
–	–	ابتدای پلکان بین سطح مسجد و شبستان	۲	مسجد علی	۲
۱۰۱۳	شاه عباس اول	جرز غربی ایوان شمالی			
۱۰۳۴	شاه عباس اول	ایوان شرقی مسجد	۱	مسجد آقانور	۱
–	–	جرزهای طرفین مدخل بازار	۱	سردر قیصریه	۱
۱۰۴۴	شاه صفی	لوح سنگی وقفنامه مسجد	۱	مسجد درب طوقچی	۱
۱۰۴۶	شاه صفی	لنگه راست در مسجد	۴	مسجد جامع عباسی	۴
۱۰۴۶	شاه صفی	لنگه چپ در مسجد			
–	–	پایین دو اسپر شرقی و غربی			
۱۰۹۵	شاه سلیمان	سنگاب شبستان غربی			
–	–	دیوار مقابل در ورودی	۳	تکیه میرفندرسکی	۳
–	–	دیوار مقابل در ورودی			
–	–	اطاق مجاور قبر میرفندرسکی			
۱۰۴۱	شاه صفی	ضلع جنوبی داخل بقعه	۶	بقعه شاهزادگان (در ضلع جنوبی صحن سنی فاطمه)	۶
۱۰۴۱	شاه صفی	سنگ قبر سید محمد خان			
۱۰۶۲	شاه عباس دوم	سنگ قبر سید علی خان			
۱۰۴۱	شاه صفی	سنگ مزار محمد معصوم میرزا			
۱۰۴۱	شاه صفی	سنگ مزار کودک سیدمحمدخان			
۱۰۶۲	شاه عباس دوم	سنگ مزار بدر جهان‌بیگم			

۱	چهارسوی ساروتقی	بالای چهار گوشواره	شاه عباس دوم	۱۰۵۶	نستعلیق
۲	کاخ چهلستون	تالار عمارت چهلستون	شاه عباس دوم	۱۰۵۷	نستعلیق
			شاه سلطان حسین	۱۱۱۸	نستعلیق
۲	مسجد مصری	لوح سنگی داخل محراب مهتابی	شاه عباس دوم	۱۰۶۱	نستعلیق
۳	مسجد حکیم	اطراف سردر شرقی	شاه عباس دوم	۱۰۶۷	نستعلیق
		طرفین ایوان شمالی	-	-	بنایی
		سقاخانه، مقابل سردر جورجیر	شاه عباس دوم	۱۰۷۵	نستعلیق
۱	مسجد ایلچی	سوسن‌های قطار سردر	شاه سلیمان	-	بنایی
۲	مدرسه کاسه‌گران	سوسن‌های قطار سردر	شاه سلیمان	۱۱۰۳	نستعلیق
		سوسن‌های قطار سردر	شاه سلیمان	۱۱۰۳	نستعلیق
۱	مدرسه مریم بیگم	ایوان شرقی مدرسه	شاه سلطان حسین	۱۱۱۵	نستعلیق
۱	سردر مسجد لنبان	بالای ورودی مسجد	شاه سلیمان	۱۰۸۰	نستعلیق
۱	مدرسه ترک‌ها	سنگاب مدرسه	شاه سلیمان	۱۰۸۱	نستعلیق
۱	آرامگاه میرزا رفیعا	سنگ آرامگاه	شاه سلیمان	۱۰۸۲	نستعلیق
۲	آرامگاه صائب	سنگ مزار صائب	شاه سلیمان	۱۰۸۷	نستعلیق
		محوطه آرامگاه	شاه سلیمان	۱۱۰۰	نستعلیق
۱	مدرسه میرزا حسین	سردر مدرسه	شاه سلیمان	۱۰۹۹	نستعلیق
۷	مدرسه چهارباغ	جرزهای طرفین سردر	شاه سلطان حسین	۱۱۲۲	نستعلیق
		جرزهای طرفین سردر	شاه سلطان حسین	۱۱۲۲	نستعلیق
		سردر مدرسه	شاه سلطان حسین	۱۱۲۲	نستعلیق
		در ورودی مدرسه	شاه سلطان حسین	-	نستعلیق
		اطراف سرسرای ورودی	شاه سلطان حسین	۱۱۱۹	نستعلیق
		غرفه‌های فوقانی	شاه سلطان حسین	۱۱۱۹	نستعلیق
۲	امامزاده احمد	سرسرای شمالی مدرسه	شاه سلطان حسین	۱۱۱۸	نستعلیق
		شیرسنگی مقابل سردر صحن	شاه سلطان حسین	-	نستعلیق
۲	مدرسه نیم‌آور	شیرسنگی مقابل سردر صحن	شاه سلطان حسین	-	نستعلیق
		مدخل مدرسه	شاه سلطان حسین	-	نستعلیق
		ایوان شرقی	شاه سلطان حسین	-	نستعلیق

نستعلیق	۱۱۱۴	شاه سلطان حسین	در چوبی رواق، در حاشیه لوح سنگی	بقعه امامزاده اسماعیل	۸
نستعلیق	۱۱۱۴	شاه سلطان حسین			
نستعلیق	۱۱۱	شاه سلطان حسین	اطراف رواق بقعه		
بنایی	-	-	آرامگاه قاضی صفی‌الدین		
نستعلیق	۹۹۵	محمدخداپنده	سنگ مزار قاضی صفی‌الدین		
نستعلیق	-	-			
نستعلیق	-	-	در ورودی امامزاده		
نستعلیق	۱۱۱۵	شاه سلطان حسین	طرفین در ورودی		
نستعلیق	۱۱۲۲	شاه سلطان حسین	مقرنس‌های سردر	مسجد علی قلی آقا	۱
بنایی	۱۱۱۴	شاه سلطان حسین	پشت بغل سردر مدرسه	آرامگاه جلال‌الدین محمد حکیم (مدرسه جلالیه)	
نستعلیق	۱۱۳۱	شاه سلطان حسین	اطراف اتاق آرامگاه		
نستعلیق	۱۱۳۱	شاه سلطان حسین	سنگ مزار		

۱- محتوای اشعار کتیبه‌های شعر فارسی دوره صفوی در شهر اصفهان

شناسایی و مطالعه کتیبه‌های شعر فارسی موجود در بناهای تاریخی دوره‌ی صفوی، در شهر اصفهان، نشان می‌دهد مفاهیم و پیام‌های مشترکی در کتیبه‌های متعدد تکرار شده‌اند و تنها تعداد اندکی از کتیبه‌ها دارای مضامین منحصر به فرد هستند. بر این اساس، مضامین پربسامد در این اشعار در نه عنوان دسته‌بندی شد، به گونه‌ای که هر مضمون، یک دسته مجزا را تشکیل می‌دهد. دسته‌های در نظر گرفته شده براساس مضامین اشعار در کتیبه‌های مورد مطالعه عبارت‌اند از:

- ۱- مدح پروردگار، ۲- مدح پیامبر(ص)، ۳- مدح امام علی(ع) و دیگر ائمه،
 - ۴- مدح شاه وقت، ۵- توصیف بنا، ۶- ذکر نام و یا مدح فرد مدفون، ۷- ذکر نام بانی بنا، ۸- اشاره به فانی بودن دنیا، ۹- مضامین متفرقه
- جدول شماره‌ی ۳، گروه‌بندی اشعار مورد مطالعه را در دسته‌های ذکر شده ارائه می‌دهد. براساس نتایج ارائه شده در این جدول، مضامین دینی شامل مدح پروردگار، مدح پیامبر اسلام(ص) و نیز مدح حضرت علی(ع) و دیگر ائمه اطهار(ع)، بیشترین تعداد کتیبه را به خود اختصاص داده‌اند که شامل ۳۸ کتیبه معادل ۲۶ درصد از کل کتیبه‌های مورد مطالعه است. هم‌چنین از میان ۳۸ کتیبه مذکور، ۲۳ کتیبه به مدح امامان شیعه پرداخته‌اند و به‌نوعی به مذهب تشیع اشاره دارند. بعد از مفاهیم دینی،

پرتکرارترین مضمون در میان کتیبه‌های مورد مطالعه، مدح شاه وقت است که در ۲۸ کتیبه معادل ۱۹ درصد از تعداد کل کتیبه‌ها به چشم می‌خورد. در رتبه سوم نیز ذکر نام بانی یا وقف کننده بنا است که در ۲۱ کتیبه معادل ۱۵ درصد از کل کتیبه‌ها تکرار شده است.

جدول شماره ۳: دسته‌بندی محتوایی کتیبه‌های شعر فارسی

از دوره صفوی در شهر اصفهان

نام بنا	تعداد کتیبه	تعداد مضامین	تعداد «مضامین» به کار رفته در کتیبه‌های هر بنا								
			مدح پروردگار	مدح پیامبر (ص)	مدح حضرت علی (ع) و دیگر ائمه معصومین	مدح شاه وقت	مدح یا توصیف بنا (و یا سنگاپ)	شخص مدفون شده	ذکر نام و یا مدح بانای یا وقف کننده بنا	ذکر نام و یا مدح بودن دنیا	اشاره به فانی
مسجد عتیق	۱۶	۲۰	-	۱	۵	۴	-	-	-	۴	۱
مقبره نظام الملک	۲	۲	-	-	-	-	۲	-	-	-	-
مدرسه سلجوقی	۱	۱	-	-	۱	-	-	-	-	-	-
تالار تیموری	۱	۱	-	-	-	۱	-	-	-	-	-
درب امام	۲	۲	-	-	۱	-	-	-	-	۱	-
امامزاده شوری	۱	۲	۱	۱	-	-	-	-	-	-	-
هارون ولایت	۶	۶	-	-	-	-	۲	-	-	۲	۱
مسجد قطیبه	۳	۴	-	۱	۱	-	-	-	-	۲	-
مسجد ذوالفقار	۱	۲	-	۱	۱	-	-	-	-	-	-
مسجد جویباره	۱	۲	-	-	-	۱	-	-	-	۱	-
بقعه شاه زید	۲	۶	-	-	۲	-	۱	۱	-	۲	-
آرامگاه میرعماد	۳	۴	۱	-	-	-	۱	-	-	۱	۱
مسجد علی	۲	۲	۱	۱	-	-	-	-	-	-	-



-	-	۱	-	۱	-	-	-	-	۲	۱	مسجد آقانور
-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	سردر قیصریه
-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	مسجد طوقچی
-	-	-	-	۱	۳	-	۱	-	۵	۴	مسجد عباسی
۱: مدح درویشان	-	-	-	-	-	۲	-	-	۳	۳	تکیه میرفندرسکی
-	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱	۱	چهارسوی ساروتقی
-	-	-	-	۱	۲	۱	-	-	۴	۲	کاخ چهلستون
-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	۲	۱	مسجد مصری
-	-	۲	-	۲	۲	-	-	۱	۷	۳	مسجد حکیم
۱: پند اخلاقی	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	مسجد ایلچی
-	۱	-	-	-	-	۱	-	-	۲	۲	مدرسه کاسه‌گران
-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	۲	۱	مدرسه مریم بیگم
-	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱	۱	مسجد لبنان
۱: اشاره به ظلم یزید	-	۱	-	-	-	-	-	-	۲	۱	سنگاب مدرسه ترک‌ها
-	-	-	۱	-	-	-	-	-	۱	۱	آرامگاه میرزارفیعا
۱: ذکر نام معمار	-	۱	-	-	۱	۱	-	۱	۵	۲	آرامگاه صائب
-	-	۱	-	-	۱	-	-	-	۲	۱	مدرسه میرزا حسین
۱: ستایش علم	-	۳	-	۳	۴	۴	۲	-	۱۷	۷	مدرسه چهارباغ
۲: غم و اندوه درسوگ عزیزان	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۲	امامزاده احمد
-	-	-	-	-	-	۱	۱	-	۲	۲	مدرسه نیم‌آور
-	-	۳	۳	۲	۴	۱	-	-	۱۳	۸	امامزاده اسماعیل
-	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱	۱	مسجدعلی‌قلی‌آقا
۱: توصیه به بندگی خدا	۱	۱	-	-	-	-	-	۱	۴	۳	مدرسه جلالیه
۱۶	۱۰	۲۱	۱۵	۱۶	۲۸	۲۲	۱۰	۶	۱۴۴	۹۷	مجموع
%۱۱	%۷	%۱۵	%۱۰	%۱۱	%۱۹	%۱۵	%۷	%۴	%۱۰۰	-	درصد

۲- ارتباط محتوایی اشعار کتیبه‌های دوره صفوی در شهر اصفهان با فراسنجه‌های

هویت ملی

بررسی‌های صورت گرفته بر روی اشعار کتیبه‌های مورد مطالعه، حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از مضامین این اشعار، به صراحت و یا اشاره، حاوی فراسنجه‌های هویت ملی ایران در عصر صفوی هستند. براساس دسته‌بندی ارائه شده از مضامین اشعار مورد مطالعه، مضامین مربوط به مدح پروردگار، مدح پیامبر(ص)، مدح حضرت علی(ع) و دیگر ائمه، مدح شاه وقت و نیز ذکر نام بانی یا وقف کننده بنا، به شاخص‌های هویت ملی ایرانی در دوره صفوی اشاره دارند که در ادامه به این مضامین پرداخته شده و ارتباط آنها با فراسنجه‌های هویت ملی در دوره مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، براساس نتایج به دست آمده، مضامین دینی از قبیل حمد و ثنای پروردگار، مدح پیامبر اسلام(ص) و نیز مدح حضرت علی(ع) و دیگر ائمه شیعیان، پرتکرارترین مضمون در میان اشعار کتیبه‌های مورد مطالعه هستند. هم‌چنین در میان کتیبه‌هایی که محتوای دینی دارند، اشاره به امامان شیعه پرتکرارترین مضمون است. در تبیین چرایی این امر باید گفت در ایران، دین همواره یکی از ابزارهای هویت‌ساز بوده است، به‌عنوان نمونه آیین زرتشت، شاخصه‌ای هویتی در ایران باستان بوده و از ابتدای شکل‌گیری ایران به‌منزله‌ی یک واحد سیاسی وجود داشته است (رجایی، ۱۳۹۶: ۹۳). با گسترش اسلام در ایران، دین هم‌چنان از محکم‌ترین و ثابت‌ترین سنجه‌های هویتی بوده است.

با رسمیت یافتن تشیع در دوره صفوی، این مذهب عملاً به یکی از سنجه‌های هویت ایرانی تبدیل شد؛ تا آنجا که حتی از عبارت «هویت جدید ایرانی» برای هویت ملی در این دوره استفاده شده است. چالش‌های بین صفویان و عثمانی‌های سنی مذهب، به‌ویژه در اوایل شکل‌گیری دولت صفوی و تأکید شاه اسماعیل بر داعیه‌های شیعی در مقابل عثمانی نیز، بر همین اساس بوده است (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۴۷). اقدام شاه اسماعیل در رسمیت بخشیدن به تشیع، حداقل سه نتیجه برای او و دولت تازه بنیادش به همراه داشت: هویت ارضی و سیاسی مستقل؛ تمایز و جداسازی دولت، جامعه و قلمرو از قدرت عمده و اول جهان اسلام یعنی عثمانی و فراهم آوردن امکان استفاده از ظرفیت و توان ایدئولوژیک، در مذهب پویای تشیع، برای اداره‌ی امور (سیوری، ۱۳۷۸: ۲۹-۲۸). بروز و ظهور هویت جدید ایران در عصر صفوی آن‌چنان گسترده بود که در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی، معماری و حتی آثار هنری تجلی یافت.

نمونه‌ای از آثار هنری مذکور، اشیای فلزکاری شده در دوره‌ی صفوی هستند که بر آنها عباراتی همچون صلوات کبیره چهارده معصوم(ص)، دعای نادعلی، ذکر شهادتین به‌ویژه «أشهدُ أنَّ عِلِّيَّ وُلِيَّ اللهُ»، عرض ارادت به حضرت علی(ع) و دیگر ائمه معصومین(ع) نقش بسته است (افروغ و نوروزی‌طلب، ۱۳۸۹: ۹۷). این امر در کتیبه‌های شعر فارسی موجود، در بناهای تاریخی شهر اصفهان از دوره صفوی، نیز دیده می‌شود، چراکه کتیبه‌هایی که مضمون اشعار آنها مدح خداوند و اظهار ارادت به پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) و دیگر معصومین(ع) باشد، بخش قابل توجهی از این کتیبه‌ها را تشکیل می‌دهند. اشعار مذکور، در قالب تک‌بیتی، دوبیتی، رباعی، غزل و یا بخشی از سروده‌هایی که عمدتاً غزل یا مثنوی بوده‌اند، در کتیبه‌های این دوره به‌کار رفته‌اند. در ادامه، چند نمونه از اشعار کتیبه‌های دوره‌ی صفوی در شهر اصفهان که حاوی مضامین دینی هستند، ارائه می‌گردند. در کتیبه‌ی آرامگاه صائب، بخشی از غزلیات خود صائب در ستایش پروردگار دیده می‌شود که به شرح زیر است:

در هیچ پرده نیست، نباشد نوای تو	عالم پرست از تو و خالی است جای تو
هر چند کائنات گدای در تواند	یک آفریده نیست که داند سرای تو
در مشت خاک من چه بود لایق نثار	هم از تو جان ستانم و سازم فدای تو
غیر از نیاز و عجز که در کشور تو نیست	این مشت خاک تیره چه دارد سزای تو
صائب چه ذره است و چه دارد فدا کند	ای صد هزار جان مقدس فدای تو(۱)

یکی از کتیبه‌های موجود در آرامگاه میرعماد، شامل ابیات زیر در مدح پروردگار است. دو بیت اول این قطعه، در کتیبه‌ای در مسجد علی نیز به‌کار رفته است:

ای به درماندگی پناه همه	کرم توست عذرخواه همه
به طفیل همه قبولم کن	ای اله من و اله همه
گرد نعلین ره روان رهت	شرف تکمه کلاه همه
برهی بر مرا که در تو رسم	ای به سوی در تو راه همه
گنه ما فزون ز حد قیاس	عفوت افزون تر گناه همه
قطره آب رحمت تو بشست	شستن نامه سیاه همه
خسرو از تو پناه می‌جوید	ای پناه من و پناه همه

بر روی کتیبه‌ای در مدرسه نیم‌آورد نیز دو بیت زیر در مدح پیامبر(ص) به چشم می‌خورد. این دو بیت در یکی از کتیبه‌های مدرسه چهارباغ نیز به‌کار رفته است:

احمد که شه سریر لولاک آمد	جا نیست کر آرایش تن پاک آمد
یک حرف ز مجموعه قدر و شرفش	لولاک لما خلقت الافلاک آمد

در کتیبه سردر مسجد جامع عباسی این دو بیت در مدح پیامبر(ص) دیده می‌شود:
 امی لقبی کز انبیا اعلم بود احمد نامی که سرور عالم بود
 زان سایه نبودی‌اش به همراه که بود محرم جایی که سایه نامحرم بود
 کتیبه‌های مسجد قطیبه و مسجد ذوالفقار شامل ابیاتی در مدح پیامبر(ص) و
 حضرت علی(ع) هستند:

محمد عربی آبروی هر دو سرا کسی که خاک درش نیست خاک بر سرا
 شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح بدین حدیث لب لعل روح پرور او
 که من مدینه‌ی علمم علی در است مرا عجب خجسته حدیثی است من سگ در او
 کتیبه‌ی سردر مدرسه چهارباغ نیز شامل ابیات زیر در مدح حضرت علی(ع) است:
 دانی ز چه این چرخ کهن می‌گردد نه بهر تو و نه بهر من می‌گردد
 در گردش او چون علی آمد به وجود می‌بالد و گرد خویشان می‌گردد
 کتیبه‌ی آرامگاه قاضی صفی‌الدین محمد در امامزاده اسماعیل شهر اصفهان حاوی
 این ابیات در مدح حضرت علی(ع) است:

چون نامه جرم ما به هم پیچیدند بردند و به میزان عمل سنجیدند
 بیش از همه کس گناه ما بود ولی ما را به محبت علی بخشیدند (۲)
 در کتیبه‌ی لوح سنگی دالان ورودی مسجد جامع عتیق بیتی در مدح حضرت
 علی(ع) و اهل بیت(ع) به شرح زیر وجود دارد:
 ز مشرق تا به مغرب گر امام است علی و آل او ما را تمام است
 کتیبه‌ی آرامگاه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان شامل بیت زیر در مدح
 حضرت علی(ع) است:

علی را قدر پیغمبر شناسد که هر کس خویش را بهتر شناسد
 این کتیبه‌ها نشان می‌دهند انتخاب اشعار با محتوای مذهبی در کتیبه‌های دوره‌ی
 صفوی، هدفمند و هم‌راستا با باورها و اعتقادات جامعه صورت می‌گرفته است،
 باورهایی که نشانگر سنجه‌های هویتی نیز هستند.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، پس از مضامین دینی، مدح شاه وقت پرتکرارترین
 مضمون در میان کتیبه‌های مورد مطالعه است. این امر به جایگاه ویژه شاه در اندیشه‌ی
 ایرانی اشاره دارد. نهاد شاهی و حاکمیت در ایران اولین بار در مورد دیائوکو به کار
 رفت و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی همواره مورد توجه بود. جایگاه این مقام و
 اعتبار آن به گونه‌ای بوده است که حتی پس از ورود اسلام به ایران نیز نقش کلیدی
 خود را در هویت ایرانی حفظ نمود تا جایی که نامه طاهر، در کسوت مؤسس اولین

سلسله‌ی ایرانی بعد از اسلام، به پسرش عبدالله، حاکی از توجه وی به آموزه‌های باستانی و نهاد شاهی است. به‌علاوه طاهر در این نامه از عبدالله می‌خواهد در انجام شعائر دینی و ترغیب مردم به آنها تلاش کند (الهیاری، فروغی و مرسل‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶ و ۲۸). از این نامه می‌توان به تداوم و درهم‌تنیدگی نهاد شاهی و آموزه‌های دینی حتی پس از ورود اسلام پی برد. ناگفته نماند رایج شدن واژه‌ی «ظل‌الله»، در متون تاریخی دوره اسلامی، نیز در راستای این تداوم و درهم‌تنیدگی معنا پیدا می‌کند.

نهاد شاهی و جایگاه شاه در اندیشه و باور مردم عصر صفوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به‌طوری‌که در این دوره، بار دیگر نهاد شاهی در حکومت ایران مرکزیت یافت. استقرار مجدد نظام شاهی از مشخصات ویژه‌ی دولت صفوی محسوب می‌شود (رویمر، ۱۳۸۵: ۲۵۲). در واقع صفویان با بازسازی نهاد شاهی، گامی دیگر در جهت تکوین هویت ملی در ایران برداشتند. پس از حمله‌ی اعراب به ایران، تا ظهور حکومت صفوی، هیچ سلسله‌ای به دنبال احیای نظام سلطنت ایرانی نبود و یا اگر بود، به شکل فراگیر توفیق نیافت؛ اما تشکیل دولت صفوی، بار دیگر پس از قرن‌ها، نهاد شاهنشاهی را به‌منزله‌ی شیوه‌ی اول حکومتی در سرتاسر ایران رایج نمود. شاه اسماعیل برای اولین بار از عنوان شاه به‌جای سلطان استفاده نمود و به‌رسم شاهان باستان تاج‌گذاری کرد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۲۶). همین امر موجب شد تا نهاد شاهی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری تجلی پیدا کند، به عبارتی تمجید از پادشاه، انتساب صفات و ویژگی‌های شاخص به وی و اعتلابخشی به مقام و منزلت شاه در تمام عرصه‌های مذکور در دوره صفوی به چشم می‌خورد. اشعار کتیبه‌های بناهای اصفهان از دوره‌ی صفوی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. بر همین اساس، این دسته از اشعار با مضامین مربوط به نهاد شاهی، منعکس‌کننده‌ی یکی از شاخصه‌های هویت ملی در این دوره محسوب می‌شوند. به‌عنوان نمونه، در کتیبه‌ی سردر مسجد جوپاره در وصف شاه‌طهماسب و نسبت دادن صفت عدالت به او آمده است:

در ایام شاهی طهماسب شاه	که در عهد او عدل انشا شده
که صیت عدالت از آن شاه دین	ز تخت ثری تا ثریا شده
ز مهتر محمدعلی خالصا	دوجه‌الله این مسجد احیا شده
گوش سال تاریخ خواهی بگو	ز اقبال بهرام‌میرزا شده

هم‌چنین کتیبه درب نقره‌پوش مسجد جامع عباسی شامل اشعاری در وصف شاه صفی و صفات متعددی است که از وی برمی‌شمرد:

چون خدیو زمانه شاه صفی
 که از این در شه فرشته خصال
 که به انجام می‌رسد حرفم
 در کتیبه‌ی مسجد مصری در وصف شاه‌عباس دوم و مقایسه او با جمشید، شاه
 اسطوره‌ای ایران، آمده است:

شاه دین عباس ثانی داور گردون غلام
 ساخت حاجی میرزا خان از سر صدق و صفا
 کتیبه‌ی سنگاب شبستان غربی در مسجد جامع عباسی، دارای اشعاری در وصف
 شاه سلیمان و آوازه اقتدار او است:

چون به فرمان سلیمان زمان شاه جهان
 شاه جمجاه کز آوازه آب تیغش
 گشت در مسجد شاه این قدح آب تمام
 هم‌چنین کتیبه بقعه‌ی امام‌زاده اسماعیل، اشعاری در وصف شاه سلطان حسین و
 مقایسه‌ی عدالت او با انوشیروان و نام‌آوریش با اسکندر دارد که در نوع خود بی‌نظیر است:
 از حکم دارای زمان سلطان حسین کامرا

معماری ارکان جهان شاهنشاه فرمان‌روا
 شاهی که شد معماری دولت‌سرای دین او
 زان پیش کز حکم خدا بنیاد هستی شد بنا
 آنجا که موج‌آور شود دریای عدل دائمش
 زنجیر نوشروان بود موج سراب کم بقا
 آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت

چون شد سواد لشکرش در چشم عالم سرمه‌سا
 بر این اساس، انتخاب اشعار مورد استفاده در کتیبه‌های تاریخی شهر اصفهان از
 دوره‌ی صفوی، متأثر از شرایط حاکم بر جامعه و جایگاه شاهان این دوره در تحکیم
 هویت ملی و نیز تحت تأثیر باورهای دیرین و ریشه‌دار در ایران از جمله نهاد شاهی و
 قائل شدن صفات ویژه و القاب خاص برای شاه بوده است.

سومین مضمون پرتکرار در میان اشعار مربوط به کتیبه‌های مورد مطالعه، اشاره به
 بانی یا وقف‌کننده بنا است. این مضمون به سنت وقف در ایران مرتبط است. در واقع،
 پس از رسمی شدن مذهب تشیع و ثبت این سنجه به‌منزله‌ی ویژگی متفاوت هویت
 ایرانیان، لازم بود تا این هویت جدید اشاعه و تبلیغ شود. موقوفات و رواج فرهنگ

وقف، زمینه‌ی سیاسی مناسبی برای این تبلیغات فراهم نمود، به‌ویژه موقوفاتی که برای انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت و سایر مؤسسات مذهبی انجام گرفته بودند (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). به‌بیان دیگر، نهاد وقف در دوره صفوی در خدمت هویت جدید شیعی ایرانیان قرار گرفت. نکته‌ی قابل توجه در این موضوع این بود که توجه خاص شاهان صفوی به‌ویژه شاه‌طهماسب و شاه‌عباس اول به سنت وقف و اهدای ثواب موقوفات به پیشگاه معصومین، موجب توجه بیشتر جامعه‌ی آن زمان به پیشوایان تشیع شد.

اگرچه این موقوفات فقط محدود به اماکن مذهبی نبود، اما کثرت موارد وقف برای حرم امامان و امامزادگان حاکی از ارج نهادن جامعه به مظاهر آیین تشیع بوده است. با رسمی شدن مذهب تشیع در دوره صفوی، نهاد وقف در خدمت آیین جدید قرار گرفت و خود را با ملزومات آن منطبق نمود (نوابی و احمدی، ۱۳۸۱: ۲۳). در حقیقت، در دوره‌ی مذکور، نهاد وقف رکن جدایی‌ناپذیر سیاست مذهبی خاندان صفوی به‌حساب می‌آمد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۲).

انگیزه‌های متفاوتی برای عمل واقفان در انجام موقوفات مربوطه دیده می‌شود، از جمله کسب ثواب اخروی، اعتبار دنیوی و مقبولیت نزد مردم و یا مصون نگه‌داشتن اموال خود از مصادره (رحیمی‌فر و عبدالقهار، ۱۳۹۲: ۶۰). انگیزه‌ی واقفان هر چه که بوده است، در نهایت عمل آنها در جهت اهداف سیاسی - مذهبی حکومت شیعی عصر صفوی به‌کار گرفته شده است. در ادامه به چند نمونه از کتیبه‌های شعر فارسی از دوره‌ی صفوی در شهر اصفهان که به نهاد وقف پرداخته‌اند، اشاره می‌گردد.

در کتیبه‌ی بقعه‌ی امام‌زاده اسماعیل به ذکر بانی آن به نام ابراهیم‌بیک اشاره می‌کند:

قبله ایرانیان بانی این خیر است لیک یافت اتمام بنا از سعی ابراهیم‌بیک

هم‌چنین کتیبه طرفین درب ورودی آرامگاه قاضی صفی‌الدین در همین امام‌زاده

شامل اشعار زیر است:

اول ابراهیم از امر شهنشاه جهان	آنکه محمود دو کون از طالع مسعود شد
در صفای بقعه و سعی بنای مدرسه	کین عمارت از علو همش موجود شد
مبدا فرخنده اقبال معلی فطرتی	بانی تعمیر در این کعبه مقصود شد
صوفی پاک اعتقاد شاه دین سلطان حسین	ساعی اتمام هر یک عاقبت محمود شد

در کتیبه سنگاب سقاخانه عزیزالله در مسجد جامع عتیق، بانی سقاخانه با نام عزیزالله

معرفی شده است:

نظام داد عزیز این بنای عالی را به عهد خدا و اقلیم دین سلیمان شاه

ز بهر خیر تراشید سنگ آب زلال
 رقم زد از پی تاریخ خانه مسعود
 که بریزد توان کرد لعن خاطرخواه
 سیل باد سقاخانه عزیزالله
 هم چنین کتیبه لوح سنگی در ساختمان حوض مسجد جامع عتیق، نام بانی آن در
 زمان صدارت میرمیران را معرفی می‌کند:

به یمن داور دین صدراعظم
 موفق شد به احسان یوسف آقا
 غیاث‌الملک الدین میرمیران
 قدم زد بی‌ریا در خیر و احسان
 که باشد سجده‌گاه اهل ایمان
 بروی حوض مسجد ساخت تالار
 صحیفی این عمارت یادگاری است
 که از وی ماند در شهر صفاهان
 در کتیبه‌ی بقعه شاه زید در شهر اصفهان نیز نام بانی آن به نام محمدرضا خادم
 معرفی شده است:

محمدرضا خادم شاه زید
 به ذکر خدا متصل شاد بود
 گرفت از جهان گوشه انزوا
 به مهر علی کرد نشو و نما
 به آخر چو دلسرد شد از جهان
 به فکر خود افتاد بی‌اتها
 پس آن گه بنا کرد سردابه
 که بعد از حیاتش بماند بجا
 چو اتمام کرد این بنای به خیر
 ز کروبیان آمدش مرحبا
 هر آن‌کس که دید این بنا را بگفت
 خدا از تو راضی محمدرضا
 وقف به منزله‌ی فرهنگی ریشه‌دار در ایران و البته امری سفارش شده در روایات
 اسلامی، همواره کارکردهای ویژه‌ای داشته است. از دوره‌ی صفوی و با رسمیت یافتن
 مذهب تشیع، فرهنگ وقف در خدمت انتشار و گسترش معارف دینی خاصه‌ی تشیع
 قرار گرفت، به گونه‌ای که تعداد قابل‌توجهی از کتیبه‌های دوره‌ی صفوی در شهر
 اصفهان نشانگر توجه به وقف و واقفین است که تلاشی در راستای ادای دین خود به
 مذهب خویش داشته‌اند.

۳- خط کتیبه‌های مورد مطالعه و ارتباط آن با نشانه‌های هویت ملی در دوره صفوی
 براساس اطلاعات ارائه‌شده در جداول شماره‌ی ۱ و ۲، ۷۹ درصد از کل کتیبه‌های مورد
 مطالعه، به خط نستعلیق نوشته شده‌اند. این خط به نوعی یکی از شاخصه‌های هویت
 ایرانی در نظر گرفته می‌شود؛ چراکه از میان انواع شیوه‌های رایج نوشتاری فارسی و
 عربی، بعد از اسلام، سه شیوه‌ی خط فارسی به نام‌های تعلیق، نستعلیق و شکسته، گروه
 خطوط ایرانی را تشکیل می‌دهند (هاشمی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۷). در واقع، خط نستعلیق، پس
 از تعلیق، دومین خط خاص ایرانیان است که در دوره‌ی تیموری ظهور یافت و در

دوره‌ی صفوی به صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفت. اغلب محققان بر این باورند که این خط از درآمیختن دو خط نسخ و تعلیق به وجود آمد و به نستعلیق شهرت یافت. در حقیقت، ایرانیان از میان خطوط گوناگون عربی - اسلامی، خط نستعلیق را به وجود آوردند که هنوز هم مظهر روح ایرانی و منشأ پیوستگی آن با ادبیات فارسی کهن محسوب می‌شود (فانی، ۱۳۸۴: ۲۴۶)؛ بنابراین کاربرد وسیع خط نستعلیق در کتیبه‌های شعر دوره‌ی صفوی در شهر اصفهان، حاکی از نگاه ویژه هنرمندان این دوره به این خط به منزله‌ی یکی از عناصر هویت ملی ایرانی است.

نتیجه‌گیری

هویت ملی، حس جمعی و مشترک ملت‌ها نسبت به خود است که در ویژگی‌هایی چون جغرافیا، پوشش، تاریخ، زبان، دین، فرهنگ و آداب و سنن تجلی می‌یابد. ردپای هویت ملی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری می‌توان یافت. در این میان، کتیبه‌های شعر در بناهای تاریخی، می‌توانند به منزله‌ی یکی از عرصه‌های هنری تجلی هویت ملی محسوب شوند. در این پژوهش سعی شد ارتباط مضامین اشعار فارسی به کار رفته در کتیبه‌های تاریخی دوره‌ی صفوی در شهر اصفهان با نشانه‌های هویت ملی ایرانی در دوره‌ی مذکور مورد مطالعه قرار گیرد. بدین منظور، تعداد ۹۷ کتیبه‌ی شعر فارسی شامل ۴۵۷ بیت شعر در بناهای تاریخی شهر اصفهان که یادگار دوره‌ی صفوی بودند، شناسایی گردید و محتوای ابیات به کار رفته در آنها مورد مطالعه قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، پرتکرارترین مضمون در میان کتیبه‌های بررسی شده، مضامین دینی است که شامل مدح پروردگار، مدح پیامبر اسلام (ص) و نیز مدح حضرت علی (ع) و دیگر ائمه اطهار (ع) بوده و در ۳۸ کتیبه تکرار شده‌اند. هم‌چنین، ۲۳ کتیبه از ۳۸ کتیبه مذکور، به مدح امامان شیعه پرداخته‌اند و به نوعی به مذهب تشیع اشاره دارند. پس از آن، پرتکرارترین مضمون در میان کتیبه‌های مورد مطالعه، مدح شاه وقت است که در ۲۸ کتیبه به چشم می‌خورد. در رتبه سوم نیز ذکر نام بانی یا وقف کننده بنا است که در ۲۱ کتیبه تکرار شده است. بر این اساس، نتایج حاصل شده در این مطالعات، فرضیه مطرح شده را تأیید می‌نماید، بدین معنا که ابعاد دینی، ملی و تاریخی هویت ملی در محتوای اشعار فارسی به کار رفته در کتیبه‌های تاریخی شهر اصفهان، از دوره صفوی، نمود بیشتری نسبت به دیگر ابعاد آن، داشته است. مدح حضرت علی (ع) و دیگر ائمه (ع) در کتیبه‌ها، تجلی هویت شیعی در عصر

صفوی است که به دنبال نهاد هویتی دین و در راستای تشکیل هویتی جدید در مقابل «دیگری» که همان عثمانی بود، شکل گرفت. مدح شاه وقت برخاسته از ویژگی نهاد شاهی است که از دوران باستان همواره به‌مثابه شاخص هویتی در ایران وجود داشته است و به‌ویژه در دوره صفوی مجدداً احیا گردید. اشاره به وقف در کتیبه‌های مورد مطالعه نیز حاکی از ترویج نهاد وقف در دوره صفوی است که در راستای تبلیغ هویت جدید شیعی در دوره مذکور به‌کار رفته است؛ بنابراین در انتخاب اشعار فارسی موجود در کتیبه‌های مذکور، نهایت دقت و هدفمندی به‌کار رفته تا در حد امکان منعکس‌کننده‌ی باورها و افکار غالب جامعه در آن برهه‌ی زمانی خاص باشند.

هم‌چنین، براساس نتایج به‌دست آمده، ۷۹ درصد از کتیبه‌های شعر دوره صفوی در شهر اصفهان به خط نستعلیق نوشته شده‌اند. این خط که توسط ایرانیان پدید آمد، با روح ایرانی و ادبیات کهن زبان فارسی پیوند دارد و به‌نوعی مظهر هویت ایرانی محسوب می‌گردد.

یادداشت‌ها

- ۱- غزل ۶۵۴۴.
- ۲- این دو بیت در چند کتیبه دیگر از دوره صفوی در بناهای مختلف شهر اصفهان دیده می‌شود.
- ۳- این کتیبه حاوی تعداد ابیات بیشتری است که ذکر آنها در این مقاله نمی‌گنجد.
- ۴- این کتیبه حاوی تعداد ابیات بیشتری است که ذکر آنها در این مقاله نمی‌گنجد.
- ۵- این کتیبه حاوی تعداد ابیات بیشتری است که ذکر آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۲)؛ *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، چ ۴، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدی، زهت (۱۳۸۴)؛ «تشیع و وقف در عصر صفوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، س ۲۲، ش ۴۰، صص ۴۱-۶۲.
- افروغ، محمد؛ نوروزی‌طلب، علیرضا (۱۳۸۹)؛ «هویت اسلامی - ایرانی در فلزکاری عصر صفوی: با تأکید بر کتیبه‌های موجود بر روی آثار فلزی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۱۱، ش ۴، صص ۱۰۰-۷۳.
- الهیاری، فریدون؛ فروغی‌ابری، اصغر؛ مرسل‌پور، محسن (۱۳۸۹)؛ «بازتاب کارکردهای نهاد شاهی در نامه طاهر به عبدالله»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، دوره ۲۰، ش ۸۰، صص ۲۹-۱۶.

- حسینی رنجبر، احد؛ حبیبی، زهرا (۱۳۹۴)؛ «شعر بر کتیبه بناهای آرامگاهی شهر اصفهان»، *فصلنامه علمی فنی هنری اثر*، دوره ۳۶، ش ۶۹، صص ۶۲-۳۷.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۹۶)؛ *مشکله هویت ایرانیان امروز*، چ ۸، تهران: نی.
- رحیمی فر، مهناز؛ عبدالقهار، سعیداف (۱۳۹۲)؛ «موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف‌نامه‌ها»، *فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، دوره ۴، ش ۱۲، صص ۷۰-۴۱.
- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۵)؛ *ایران در راه عصر جدید: تاریخ ایران از ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰*، ترجمه آذر آهنچی، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷)؛ *تفرج صنع؛ گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی*، چ ۳، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سیوری، راجر (۱۳۷۸)؛ *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز کریمی، چ ۶، تهران، نشر مرکز.
- صالحی کاخکی، احمد و همکاران (۱۳۹۵)؛ «طبقه‌بندی مضمونی کتیبه‌های نستعلیق در آرایه‌های چوبی وابسته به معماری دوره صفوی ایران»، *دوفصلنامه مرمت و معماری ایران*، دوره ۱، ش ۱۳، صص ۱۳۳-۱۲۳.
- فانی، کامران (۱۳۸۴)؛ «نقش خط و کتابت در پیوندهای فرهنگی»، در مجموعه مقالات گردآوری شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان: *سیر خط و کتابت، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی از لوح تا لوح*، ترجمه ماناواز آلکساندریان، تهران: چامه، صص ۲۴۸-۲۴۱.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۹۸)؛ *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی*، چ ۹، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- قاسمی سیجانی، مریم؛ قنبری شیخ‌شبابی، فاطمه؛ قنبری شیخ‌شبابی، محبوبه (۱۳۹۶)؛ «تحلیل مضمون کتیبه‌های قرآنی ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، س ۵، ش ۱۶، صص ۶۸-۴۹.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)؛ *تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه*، تهران: تمدن ایرانی.
- محرمی، توحید (۱۳۸۳)؛ *هویت ایرانی، اسلامی ما، هویت در ایران*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۸۵)؛ *هویت ایرانی و زبان فارسی*، چ ۳، تهران: فرزانه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)؛ *خدمات متقابل اسلام و ایران*، چ ۱۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نوایی، عبدالحسین؛ احمدی، نزهت (۱۳۸۱)؛ «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، دوره ۱۲، ش ۴۳، صص ۴۳-۲۱.
- هاشمی نژاد، علیرضا (۱۳۸۴)؛ «نگاهی دیگر به تاریخ و علل پیدایش و تحول خط شکسته»، در مجموعه مقالات گردآوری شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان: *سیر خط و کتابت، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی از لوح تا لوح*، ترجمه ماناواز آلکساندریان، تهران: چامه، صص ۲۲۲-۲۰۷.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۴۸)؛ «فهرست کتیبه‌های تاریخی در آثار تاریخی اصفهان»، *معارف اسلامی، سازمان اوقاف*، ش ۱۰، صص ۶۳-۵۵.
- ----- (۱۳۵۰)؛ *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، چ ۲، اصفهان: ثقفی.